شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۴شنبه

سال پانزدهم
۲۷ دی ۱۴۰۲
۵ رجب ۱۴۴۵
شماره ۴۱۳۶

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
● نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

۱۴° ↑ ۲° ↓ رطوبت هوا ۵۳٪

صبح ۲ | ظهر ۱۲ | عصر ۱۰ | شب ۷

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۱:۲۷ | نیمه شب شرعی ۲۲:۵۷:۰۳
غروب آفتاب ۱۶:۴۱:۲۰ | اذان صبح فردا ۰۵:۱۲:۳۴
اذان مغرب ۱۷:۰۱:۱۵ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۱:۱۴

شهید

سید حسن فلاح هاشمیان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۳

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۱/۲۳

محل تولد: مشهد

محل شهادت: شلمچه/ کربلای۵

هنر روز

« نشان افتخار» کاری از مهدی و علی مصطفوی

چکامه

سحرهای حرم را دوست دارم

قلم را، دفترم را دوست دارم ..... و این طبع ترم را دوست دارم
چقدر اینکه برایت، در زیارت ..... غزل می آورم را دوست دارم
یکی از این سحرها شاعرم کرد ..... سحرهای حرم را دوست دارم
سحرها در شبستان گوهرشاد ..... نماز مادرم را دوست دارم
نگینش را همین مشهد خریدم ..... اگر انگشترم را دوست دارم
میان عاشقان دل شکسته ..... غم دور و برم را دوست دارم
زنی برقع زده از زائرانت ..... که گفت از بندرم را دوست دارم
تمام کشورم را دوست داری ..... تمام کشورم را دوست دارم
به لطف آن سه باری که می آیی ..... جهان دیگرم را دوست دارم
شفا می خواستم اما کنارت ..... همین که بهترم را دوست دارم
وداعی نیست در رسم کریمان ..... سلام آخرم را دوست دارم

زهرا بشری موحد

اول شخص

منجم باشی ارض اقدس

یادی از سید جلال الدین تهرانی، منجم و ریاضی دانی که نایب التولیه آستان قدس بود

امید حسینی نژاد
روزنامه نگار

دی سال ۱۳۵۷ خورشیدی اوضاع کشور بحرانی شده بود. راهپیمایی های انقلابیون برای فشار هرچه بیشتر بر سلطنت پهلوی باعث شده بود تا محمدرضا پهلوی که تا پیش از این گمان می‌کرد هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، تصمیم به خروج ازکشور بگیرد. به خیال اینکه بختیار می تواند اوضاع را مساعد کند و مثل کودتای ۲۸ مرداد دوباره به‌کشور بازگردد، اما این خیال باطلی بیش نبود. بختیار شورای سلطنت تشکیل داد و ریاست این شورا بر عهده کسی بود که سابقه طولانی در عرصه سیاسی کشور داشت. او تنها یک سیاست مدار تک بعدی نبود. دامنه فضل او برای همگان آشکار بود. او ریاضی دانی خبره و منجمی برجسته بود که سال ها در مشهد فن نجوم را آموخته بود.

سید جلال الدین تهرانی که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در تهران متولد شده بود پس از طی سال های ابتدایی تحصیل در زادگاهش، برای فراگیری علم نجوم به مشهد مسافرت و از محضر حاج ملا محمدمهدی منجم استفاده کرد. او در منزلش رصدخانه ای راه انداخت و با بیشتر رصدخانه های دنیا در تماس بود. چون در علم نجوم صاحب نظر و در استخراج تقویم تخصصی کم نظیر بود، در آستان قدس رضوی منصب منجم باشی یافت و چند سالی تقویم های آستانه را منتشر می کرد.

سید جلال آشنایی نزدیکی با سید حسن مدرس داشت. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی که مدرس در منزلش از طرف سرتیپ درگاهی توقیف و تبعید شد، سید جلال الدین در همانجا بازداشت شد و چندی در زندان به سر برد. در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی تکلیف شد که ازکسوت روحانیت خارج شود. او از دستور شهربانی طفره رفت و سرانجام به جای تغییر لباس مخفیانه از ایران خارج شد و بلژیک را برای زندگی انتخاب کرد. وی پس از اخذ درجه دکترا در دانشگاه بروکسل در رشته ریاضیات، نجوم و فیزیک، به استادی همان دانشگاه استخدام شد. چندین سال منجم رصدخانه سلطنتی

بلژیک و عضو انجمن نجوم فرانسه، محقق دارالعلم بروکسل، عضو مؤسس دائمی انجمن نجومی فرانسه و عضو انجمن دولتی تاریخ علوم بلژیک بود.

وی پس از دوازده سال اقامت در بلژیک به دعوت قوام السلطنه به ایران آمد و وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر شد. در دولت دکتر مصدق نیابت تولیت آستان قدس رضوی و در سال ۱۳۳۰ استانداری خراسان به او سپرده شد و تا آخر اسفند ۱۳۳۱، در این مناصب مشغول خدمت بود. در این مدت با اوضاع پر هرج و مرج آن روزکشور، توانست بخشی از بدهی های آستان قدس را پرداخت کند و وضعیت مالی کارکنان و خدمه آستانه را بهبود بخشد. در نقره ای بین دارالحفاظ و راهروکفشداری مسجد گوهرشاد در این زمان به اهتمام وی ساخته شد. سید جلال پس از یک سال خدمت، در آخر اسفند ۱۳۳۱ به تهران بازگشت و دور از کارهای سیاسی، به حشرونشر با علما و دانشمندان پرداخت و به تحقیقات خود در ریاضیات و نجوم ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ در دوره دوم مجلس سنا به سناتوری تهران انتخاب شد و پس از آن به سمت سفیر کبیر ایران به بلژیک عزیمت و در دانشگاه آن شهر تدریس کرد.

تهرانی، برای دومین بار در سال ۱۳۴۰ به استانداری و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد و در این مأموریت توانست با انجام اصلاحاتی، نابسامانی های موجود در آستان قدس را به سامان برساند و افراد سودجو را از آستانه طرد کند. تأسیس بنای بیمارستان امام رضا(ع)، درمانگاه شبانه روزی آستان قدس رضوی، پوشش کاشی های هفت رنگ داخل ایوان سردر حرم امام رضا(ع)، توسعه باغ ملک آباد، درختکاری و ایجاد فضای سبز در اطراف شهر از جمله خدمات وی تا پایان مأموریتش در آستانه بود.

اما سید جلال در ماه های آخر سال ۱۳۵۷ و در بحبوحه انقلاب اقدامی کرد که تیر خلاصی بر حکومت پهلوی بود. در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده بود و شاه خود را رفتنی می دید، پیشنهاد شورای سلطنت را داد. شاپور بختیار در ۲۴ دی ۱۳۵۷ به عنوان نخست وزیر، که مأمور تشکیل شورای سلطنت شده بود، اعضای شورای سلطنت را از چهره های به اصطلاح موجه به حضور شاه معرفی کرد. تهرانی یکی از اعضای این کابینه بود و در اولین جلسه به عنوان رئیس شورا انتخاب شد. شاه در ۲۶ دی ایران را ترک کرد و با خروج شاه از ایران، امام(ره) از پاریس در بیانیه ای شورای سلطنت را غیر قانونی اعلام کرد.

پس از صدور این بیانیه، مسئله استعفا از سوی شورا از جمله سید جلال مطرح شد. در ۲۸ دی وی به عنوان رئیس شورای سلطنت و از سوی شاپور بختیار به پاریس اعزام شد تا با امام(ره) دیدار کند. اما امام(ره) شرط دیدار را استعفای سید جلال از شورای سلطنت اعلام کرد. او نیز استعفانامه خود را نوشت و این متن در حضور امام(ره) و رسانه های خارجی خوانده شد. (از نظر امام(ره) استعفای او و انحلال شورا کمکی به پیروزی انقلاب اسلامی بود*.)

او پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پاریس به جنوب فرانسه رفت و به‌کار علمی و نوشتن تاریخ نجوم پرداخت. سرانجام سید جلال در سن نودسالگی در پاریس از دنیا رفت و پیکر او را طبق وصیتش به مشهد آوردند و در رواق دارالسیاده به خاک سپردند.

* منبع: در کتاب خاطرات ابراهیم یزدی، «آخرین تلاش ها در آخرین روزها» و نیز کتاب «خاطرات سیاسی» صادق طباطبایی آمده است.

تصحیح کتابی درباره تاریخ قم

«تاریخ قم»، ترجمه فارسی پنج بخش ازکتابی به زبان عربی درباره تاریخ قم به قلم حسن بن محمد بن حسن قمی، در قرن چهارم هجری قمری است. این کتاب از آثار معتبر درباره تاریخ شهر قم محسوب می شود، ولی متن اصلی و کامل آن، اکنون موجود نیست. حسن بن محمد درکتاب خود از منابع متعدد بهره و غالبا آن ها را نام برده است. تاریخ قم در ۲۰ باب و ۵۱ فصل تألیف شده. این کتاب اطلاعات مفصل و معتبری درباره وضع مالک و زارع در ایران آن روزگار داده است.

حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک متن عربی تاریخ قم را در ۸۰۵ و ۸۰۶ قمری به درخواست ابراهیم بن محمود بن محمد بن علی صفی به فارسی ترجمه کرد. این کتاب را نخستین بار سید جلال الدین تهرانی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در تهران از روی نسخه تحریر شده در ۱۰۰۱ قمری، منتشر کرد.

همسایه همزبان

مسافران غریب مشهد

سید محمدرضا هاشمی
روزنامه نگار

چهاردهه پیش وقتی پدر تصمیم گرفت که سرزمین مادری خود را در افغانستان ترک کند و مهاجر شود، دلش به حرم سلطان خراسان خوش بود. به حرم مردی که ضامن آهوی بیابان است و او را امام مهربانی می دانست. پسرعموهای پدر، اما همه شان رفتند کشوری دیگر و من در روزهای کودکی هروقت از پدر پرسیدم چرا مشهد را انتخاب کردی تنها یک پاسخ داشت: مشهد امام رضا(ع) دارد. در طول این سال ها که مشهد و مردم شریفش با مهربانی میزبان هزاران مهاجر افغانستانی بوده اند که از خانه و کاشانه شان مهاجرت و سفره خود را با آن ها تقسیم کرده اند، مهاجران هم در روزهای تلخ و شیرین درکنار برادران و خواهران هم زبان خود بودند.

در بازار مشهد همیشه مهاجران افغانستانی امین صاحب کار ایرانی خود بودند و بسیاری از ایرانی ها دارو ندار خود را به افغانستانی ها سپردند و به آن ها اعتماد کردند. کارگران مهاجر افغانستانی در پروژه های بزرگ عمرانی این شهر کارگری کردند و انگار که خانه خودشان

را آباد می‌کنند. درکوچه ها و خیابان های مشهد همدلی ایرانی و افغانستانی نمود دیگری دارد و آن ها همسایگانی شدند که گاه از برادر به هم نزدیک ترند و محله گلشهر خود شاهدی بر این ادعاست. محله ای که هم زیستی مسالمت آمیز دو همسایه هم زبان با هم در طول چهاردهه گذشته حالا آن را به نماد مهمان نوازی ایرانیان تبدیل کرده و گلشهر به یکی از مکان های دیدنی مشهد تبدیل شده است. پسران و دختران دانش آموز افغانستانی در پشت میزهای مدرسه درکنار دوستان ایرانی شان علم و معرفت را آموختند و ریشه تنومند رفاقت بعضی هایشان همچنان زنده است. پدر حالا در دهه ششم زندگی که بیشتر از چهار دهه آن در ایران و مشهد گذشته سال هاست که در مغازه کوچکی در یکی از بازارهای مشهد خیاطی می‌کند. مغازه ای که محل کسب اوست و او سال هاست صبح به صبح بعد از سلام به‌گنبد طلای آقا بسم ا... می‌گوید و کرکره مغازه را بالا می دهد. اما چند روزی است که نگرانی از پلمب مغازه پدر، او و صدها پدر دیگر مهاجر افغانستانی را که سال هاست جیره خورکرامت امام مهربانی ها هستند، نگران کرده است. نگران از اجرای قانون «ممنوعیت اشتغال مهاجران در بافت سه‌کیلومتری حرم رضوی» یعنی جایی که سال هاست مهاجران افغانستانی، عراقی و پاکستانی برای کسب روزی حلال در آنجا تلاش می‌کنند. مشهد شهر امام رضاست(ع)، شهر امام مهربانی ها، شهری که بدون مسافر و زائر معنایی ندارد و برکتش را از وجود حرم امام رضا(ع) گرفته است. مهاجران افغانستانی که سال ها پیش به مشهد آمده اند، همه امیدشان صاحب این حرم بوده و هست و حالا هم اطمینان دارند که او هوای مسافران غریب را دارد.

عکس زائر

حرم خانه‌ای امن

عکس: زهرا براتی|شهرآرا

خانواده حکم‌آبادی از سبزوار راهی مشهد شده‌اند برای زیارت بارگاه مطهر رضوی.
مادر خانواده می‌گوید: حس شیرین زیارت امام رضا(ع) توصیف نشدنی است. وقتی پا به حرم می‌گذاریم زمان مثل برق می‌گذرد و پای رفتن از این خانه امن را نداریم.
آقای حکم‌آبادی می‌گوید: چشمم که به گنبد می‌افتد تمام غصه‌ها و مشکلات زندگی را از یاد می‌برم. وقتی شفای مادرم را از آقا علی‌ابن‌موسی‌الرضا(ع) گرفتم برای همیشه پشتم گرم شد که در جوار و همسایگی کسی زندگی می‌کنیم که همیشه به دادمان می‌رسد و از ما دستگیری می‌کند.